



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۰۶

ذبیح الله خوگيانی

انکشاف اقتصادی

انکشاف اقتصادی یک کشور در آن صورت ممکن است که تمام اعضای جامعه رول خود را در بخش پیدایش کار و محیا کردن تسهیلات در بخش مسلکی خود ایفا کنند. منظور از این نوشته ام این است که اقتصاد یک کشور و محیا سازی اقتصاد بلند تر در یک جامعه صرف مسوولیت حکومت و دولت آن جامعه یا کشور نیست. ارایه این فرضیه بر مبنای چند مثال آسانتر و پر مفهوم تر خواهد بود، فلهاذا میخوام به مثالهای ذیل در قسمت انکشاف اقتصادی کشور توجه فرمایید:

پیش از توضیح دهی یا مثال آوردن این را باید ذکر کرد که در ابتدا، پیش از اینکه راجع به انکشاف اقتصادی در یک کشور و یا جامعه صحبت کرد و یا آنرا تحلیل کرد، باید قبول کرد که اقتصاد ابتدائی یا سرمایه ملی ابتدائی برای بوجود آمدن یک کشور یا جامعه شرط اساسی است (در کشور های غرب بالخصوص امریکا) وقتی اشخاص خود را کاندید به چوکی ریاست جمهوری و سایر پوست های حکومتی و دولتی میکنند، حین شعار های انتخاباتی در قسمت جمع آوری سرمایه هم کوشش میکنند، هر کاندید به شکل عهده در مورد رقم پولی که حین مراحل آماده گی برای انتخابات جمع آوری کرده اند سخن رانی میکند و به مردم نشان میدهد که قابلیت پول جمع کردن و سلاحتی آنرا هم دارد. مطلب از این پیش گفتار این است که سرمایه و اقتصاد ابتدائی و اصل برای موجودیت و تشکیل کشور یا جامعه شرط اساسی است یعنی انکشاف اقتصادی وقتی قابل بحث است که اقتصاد موجود باشد. بحث در این نوشته این است که اقتصاد موجوده را چطور میتوان انکشاف و رشد داد.

اهالی کشور عزیز و باستانی ما بار ها میگویند که دولت اقتصاد مملکت ما را بلند نمی برد و دولت این و حکومت آن، میخوام این را هم اشاره کنم که دولت و سیاسیون که حکومت و دولت را از چهار چوب دولت داری و حکومت داری اداره میکنند، در رشد دادن و محیا کردن انکشاف اقتصادی عاجز اند. فکر کنید، وقتی اقتصاد یک کشور خراب باشد و حکومت نشان دهد که گویا در قسمت این مشکل اقدام کرده است، حکومت یا پول به اقتصاد کشور تضریق میکند و یا اینکه کمک پولی و مادی به موسسه ها، دواير و یا ارگان های که اشد ضرورت به کمک اقتصادی دارند میکند (به یاد بیآورید وقتی آوباما رئیس جمهور امریکا کمپنی موتر سازی کرایسلر جی ام سی را را کمک پولی مبلغ ۱۷،۴ بلیون دالر امریکائی کرد و دعوی نجات اقتصادی کشور را از این طریق کرد)، ولی باید دانست که وقتی حکومت یکی از این عمل ها را اجراء میکند به طور مثال با یکی از وزارت ها کمک میکند (به طور مثال وزارت تحصیلات عالی؛ این صرف یک مثال است و واقعیت در عمل در حکومت فعلی نه؛). کمک مالی به وزارت تحصیلات عالی در این مثال به این معنی نیست که حکومت دایره اقتصادی کشور را کلانتر و قویتر میسازد. حکومت مبلغی را که به وزارت تحصیلات عالی و مسلکی به اساس این مثال تقدیم میکند، آنرا یا از طریق اضافه کردن مالیات درآمد بر شاخه یا شاخه های دیگر دولتی، اضافه کردن مالیات درآمد پولی اتباع کشور، یا به شکل قرضه به شکل مستقیم به وزارت که به کمک اقتصادی ضرورت دارد میدهد. در نتیجه این طریق انکشاف در اقتصاد مملکت بوجود نمی آورد، حکومت از تخنیک های سیاسی و اقتصادی استفاده کرده پول و اقتصاد کشور را مانند بوره در گیلان چای گرم شور میدهد و از یک وزارت یا ارگان به وزارت دیگر و یا ارگان دیگر آنرا انتقال میدهد. در امتداد این مثال میخوام برای وضاحت و فهم بیشتر خواننده در مورد این مثال بگویم: فکر کنید که شما فامیل خود را یک مملکت کوچک فکر کنید، برای شروع کردن یک فامیل در ابتدا یک حساب بانکی و یک سرمایه (پیش و یا کم) حتی ناچیز اگر هم باشد ضرورت است (که این افتتاح یا به میان آمدن یک کشور یا کشور خانواده شما را نمونه بندی میکند)، بعدا فکر کنید که وزارت آشپزخانه کشور فامیل شما به انکشاف اقتصادی ضرورت دارد، شما به صفت رئیس جمهور و یا یک وزیر یا یک شخص با سلاحتی یا کار شناس سیاسی / اقتصادی مملکت، پول از وزارت تشناب و بستر مملکت فامیل تا کم کرده به وزارت آشپزخانه تسلیم میدید، آیا شما اقتصاد فامیل کشور خود را بهتر

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

ساخته اید، یا اینکه اقتصاد موجوده حکومت و کشور فامیل خویش را جنبانده سرمایه موجوده را از یک جیب به جیب دیگر عدم توازن داده اید؟ حقیقت دارد که بخش دوم سوال، جواب درست این سوال است.

در عین حال، چون مثال مملکت فامیل شما مثال دلچسپتر است، فکر کنید که شما به حیث یک کار شناس اقتصادی در مملکت فامیل خویش پول از حساب بانکی (که حساب تمام اعضای خانواده و فامیل شما است) بیرون کنید و به وزارت آشپزخانه به شکل قرضه تقدیم کنید، در حقیقت شما باز هم در اقتصاد عمومی فامیل بهبودی معرفی نه کرده اید، وزارت آشپزخانه در بدل هر پول که قرض گرفته است دوباره باید آنرا با فیصدی سود آن به حساب بانکی مشترک (سرمایه ملی) کشور فامیل شما بپردازد (مسایل دینی راجع به سود را در اینجا بحث نمی کنیم).

مقصد و مرامی که می‌خواهم از مثالهای فوق برداشت کرده باشید اینست، که مقامات رهبری یک کشور به تنهایی خود ضمانت انکشاف اقتصادی کشور را داده نمی‌توانند، چیزی که در دیگ است در کاسه می‌بارید، به این معنی که چیزی که در سرمایه ملی یک کشور موجود است، بین افراد جامعه تقسیم میشود، هر فرد به اندازه کار کرد، توان و علم خود یک بخشی از کلچه اقتصادی کشور را می‌شکند و نوش جان میکند. در ممالکی که انکشاف اقتصادی را به حکومت و سیاسیون سپرده اند و تابعین و باشند گاه مملکت صرف منتظر این هستند که مقام رهبری بخش ایشانرا از سرمایه ملی تثبیت کند، آن جامعه هر گز انکشاف اقتصادی نمی‌کند، سیاسیون (خصوصاً سیاسیونی که به اساس لیاقت نه بلکه به اساس شناخت به چوکی‌ها رسیده‌اند) هیچ وقت سرمایه ملی را به شکل مساویانه و یا عادلانه تقسیم نمی‌کنند (و در اصل نمی‌توانند).

مبنی بر مثال های فوق، در این شکی باقی نمی‌ماند که انکشاف اقتصادی یک جامعه در صورت ممکن است که افراد و اشخاص که در آن جامعه زیست میکنند از نو آوریها و افکار خود استفاده کنند و کلچه کلانتر اقتصادی در کشور خود بپزند تا عده اضافه تر اعضای جامعه بتوانند دست به کلچه اقتصادی کشور دراز کنند و یا اینکه قسمتی از کلچه را بشکنند و نوش جان کنند و در حالی که دست شخصی به کلچه نرسد، حد اقل توت‌های خورد و ریزه که حین شکستادن توت‌های کلچه توسط هم ردیفان در ظرف می‌افتند را به دست آرند و از کلچه لذت اقتصادی مزه بچشند.

وقتی می‌گویم اشخاص جامعه باید از فکر خود استفاده کنند مقصد این است که: فکر کنید مامورین در وزارت ترانسپورت مصروف کار هستند، در این مثال همه مامورین دست به کلچه موجوده می‌زنند و هر کس به اساس موقعیت که در آن ایستاده است یا توت‌های کلان یا خورد تر کلچه را توهم به دست می‌آورند، ولی راهی بهتر این است که در کلان سازی کلچه باید کوشش کرد (کلچه در این مثال به اقتصاد کشور اشاره است)، به عوض اینکه ما کلچه اقتصادی مملکت ما را که سیاسیون و حکومت داران ما پخت و پز کرده‌اند به تقسیم بگیریم و مصروف این باشیم که کلچه را سیاسیون و حکومت داران به چی اندازه باید برید تا برای همه حد اقل یک قطره از کلچه برسد، بهتر این است که در سدد کلان سازی کلچه باشیم. در این مثال، اقتصاد وزارت ترانسپورت در صورت انکشاف پیدا کرده میتواند که کارکنان این وزارت و یا یک فرد و یا گروهی خارج از وزارت ترانسپورت اگر هم باشند و یا انجینیران ترانسپورتی، کمپیوتر و سایر ساحات علم و هنر، متوجه به یک اصلی شوند که فرض کنیم اگر در ولایت کابل نصب کردن اشارات ترافیکی صورت گیرد، این چی عواقب خوب و لذت باری را به مردم کابل، به تجاران کابل، به اهالی شهرهای همسایه و بالاخره چی خوبی‌ها و فوایدی را به سطح حکومت افغانستان داشته میتواند، این گروه انجینیران دست به کار بزنند و یک مفکوره جدید را (که در این مثال وزارت ترانسپورت و توجه به اشاره های ترافیکی تنها در شهر کابل است) زیر کار گیرند، بعد از یک مدت، وقتی این به شکل یک پروژه در عمل به کار بافتد، با عث کار یابی در جامعه و فراهم نمودن سهولت اشاره ترافیکی در کشور شود، که در نتیجه تمام انسانهای که در این شهر زنده گی میکنند از حوادث ترافیکی در امان شوند که در نتیجه مرگ و میر مردم کم خواهد شد، مصرف پولی در ترمیم موترها کم خواهد شد، هر شخص به کار و روزگار خود بدون ترس از تصادم ترافیکی بتواند به وقت برسد و در مدیریت وخت پیش قدم باشند، این و تنها این میتواند در انکشاف اقتصاد کشور رول مهم بازی کند.

در این موضوع میتوان بدون شک تا ساعت ها نوشت، مگر مقصد و مرام اساسی این نوشته این است که انکشاف اقتصادی کشور ما به دست خود ما است، هر شخص در جامعه مسوولیت دارد تا در رشد اقتصاد جامعه کار کند، اگر دهقان گندم می‌کارد و آنرا درو میکند و چند دهاقین دیگر را استخدام میکند تا با وی کمک کنند تا او بتواند از زحمت های خود فایده پولی و نقدی بردارد، از کراچی ران استفاده میکند تا خرمن وی را انتقال دهد و کار به آسیا وان پیدا میکند و جوالی و دوکانداران همه از کار این دهقان به شکل مستقیم یا غیر مستقیم مفاد می‌آیند، این دهقان در حقیقت در انکشاف اقتصاد جامعه کار عملی کرده است، اگر یک پروگرامر کمپیوتر یک اپلیکیشن جدیدی را در افغانستان کود میکند و ترتیب و تنظیم میکند تا یک خدمتی مانند پرداخت پول از طریق تیلیفون، ارتباط تلویزیونی با هم دیگر گرفتن از طریق پروگرام وی و یا هر خدمتی که وی میداند اهالی جامعه به آن ضرورت دارند و یک نرخ درست را هر کس می‌خواهد بپردازد تا از آن پروگرام استفاده کنند، اقدام این دانشمند در قسمت پروگرام کمپیوتری خود به ذات خود قدم موثر در بخش انکشاف اقتصاد کشور ما میباشد.

خلاصه اینکه، قانون دانان و سیاسیون تنها و تنها کلچه موجوده اقتصادی را برای همه تقسیم و توضیح میکنند و از طریق تصویب کردن فصل های نو د ماده های جدید در قانون اساسی و قانون های فرعی کشور فیصله های شان یا بر اساس قرضه دهی و یا بر اساس بلند کردن مالیه و یا کاستن سرمایه از یک جیب به جیب دیگر است، اگر میخواهیم اقتصاد کشور ما بلند شود، هر یک باید به نوبه خود فکر مثبت کرد، در سدد بهتر ساختن سطح زنده گی خود و هم وطنان خود شد، شرایط کار را برای همه محیا و ترقی بخشید و از آبله دست خود پول و سرمایه خود را انکشاف داد.
با حرمت کلام